

## نجات‌دهنده‌ی پر فیض ما

### داستین پنج

فصل‌های ابتدایی عهد جدید به ما یادآوری می‌کنند که پسر خدا در جسم، نجات‌دهنده است. مریم با ستایش می‌گوید: «و روح من به رهاننده‌ی من خدا بوجد آمد» (لوقا ۱: ۴۷). فرشته‌ای به یوسف خبر می‌دهد که پسرش «امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید» (متی ۱: ۲۱). چوپانان با این پیام مبهوت می‌شوند: «امروز برای شما در شهر داود، نجات‌دهنده‌ای که مسیح خداوند باشد متولد شد.» (لوقا ۲: ۱۱). واژه یونانی ترجمه شده به «نجات‌دهنده» به معنای «کسی که از خطرات طبیعی و رنج‌ها نجات می‌دهد» است. «نجات‌دهنده» ایده نجات از آسیب و حفظ کردن را در بر دارد و همزمان هم نجات‌دهنده و هم محافظ را تصویر می‌کند.

در مرقس ۱۵: ۳۳-۴۱، اوج کار عیسی به عنوان نجات‌دهنده ما به نمایشی هم پر جلال و هم وحشتناک گذاشته شده است. وحشتناک به دلیل رنج، شرم، و تمسخر بی‌پایانی که خداوند ما تحمل کرده، ولی زیبا چرا که در همین جایگاه رنج، گناهکاران نجات یافته‌اند. پس از آنکه عیسی «آخرین نفس را کشید» (مرقس ۱۵: ۳۷) و جان خود را واگذار کرد، یک یوزباشی که شاهد این وقایع وحشتناک بوده است، اعلام می‌کند: «راستی این مرد، پسر خدا بود!» (مرقس ۱۵: ۳۹). اینجا سخن از سربازی سرسخت است که وظیفه‌ی نظارت بر صلیب کشیدن عیسی را بر عهده داشته است. او احتمالاً در هنگام دستگیری عیسی نیز حضور داشته، او را به دادگاه‌هایش همراهی کرده، شاید در آزار و اذیت عیسی با هم‌زمانش شریک بوده و اکنون شاهد فریاد عیسی در لحظه‌ی مرگ است، در حالی که او به طور آزادانه جان خود را فدا می‌کند.

یوزباشی شنید که عیسی مسیح، مدعیان خود را بخشید، دزد روی صلیب را نجات داد و مادرش را به یوحنا سپرد تا از او سرپرستی کند و با توجه به همه اینها نتیجه گرفت که «او یک مرد عادی نیست.» این یوزباشی رومی چگونه به این نتیجه رسیده است؟ روایت‌های مشابه در متی ۲۷ و لوقا ۲۳ آشکار می‌سازد بعد از اینکه عیسی روح خود را تسلیم می‌کند، پرده‌ی معبد دو پاره می‌شود، زلزله‌ی عظیمی رخ می‌دهد و بسیاری از مردگان زنده می‌شوند. این رویدادها سرباز سخت‌کوش را تا اعماق وجود لرزاندند. «اما یوزباشی چون این ماجرا را دید، خدا را تمجید کرده، گفت، در حقیقت، این مرد صالح بود» (لوقا ۲۳: ۴۷). دیگران در جمعیت نیز به اعترافات یوزباشی پیوستند. چیزی خارق‌العاده و ماوراءالطبیعی در مورد عیسی وجود دارد. او منجی عادل است که نه برای خود، بلکه به جای دیگران می‌میرد.

صلیب به کانون پاک‌سازی گناهکاران، پناهگاهی برای نجات مبدل می‌شود. عیسی به عنوان نجات‌دهنده ما را از گناهانمان، از خشم خدا بر گناهانمان، و از مرگ که نتیجه‌ی گناهانمان است، نجات می‌دهد. اشعیا می‌گوید: «خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشنود.» (اشعیا ۵۹: ۲). پولس نیز فریاد می‌زند: «وای بر من که مرد شقی‌ای هستم! کیست که مرا از جسم این موت‌رهایی بخشد؟» (رومیان ۷: ۲۴). او به این سؤال خود در اول

تسالونیکیان ۱: ۱۰ پاسخ می‌دهد: «عیسی که ما را از غضب آینده می‌رهاند.» بیایید خود را در جایگاه این یوزباشی بگذاریم و بره‌ی خدا، نجات‌دهنده‌مان را که با بخشندگی و فیض، جان خویش را به جای ما داد، تا ما که روزگاری دشمنان او بودیم، اکنون پسران و دختران خدا خوانده شویم، مشاهده کنیم.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.

**دکتر داستین دبلیو. پنج**، دانشیار روحانیت کتاب مقدسی و الهیات تاریخی در دانشگاه الهیات Southern Baptist Theological Seminary واقع در لوئیزویل، کنتاکی است. او نویسنده‌ی چندین کتاب، از جمله «پیوریتن‌های آمریکایی»، «دل بسته به خدا»، و «دوست‌داشتنی‌ترین مکان» است.